

نگاه

زائوزدن در برابر اردوغان

The New York Times

سوکل اکارسیمه

ترجمه: مانی عسگری

● در ۲۷ جولای، درست چنددقیقه قبل از اینکه پرواز من از بروکسل به نیویورک آماده حرکت شود، یکی از اعضای اتحادیه هواپیمایی‌ها نزدیکم آمد و از من خواست که هواپیما را ترک کنم. به‌خاطر حرف‌وحديث‌های گفته و ناگفته مسافران، احساس تحقیر کردم، اما از این اقدام شوکه نشده بودم؛ چون می‌دانستم ترکیه برای مجازات، گذرنامه کسانی که منتقد قدرت‌گیری روزافزون دولت هستند را باطل کرده است. در ماه مارس، دولت روزنامه‌انگلیسی‌زبان «تودیو زمان» را که من سردبیر آن بودم، توقیف کرد. من برای جلوگیری از پیامدها، از استانبول فرار کردم، اما دولت تنها به تبعید اجباری روزنامه‌نگارانی همچون من رضایت نمی‌داد. در ظاهر، برنامه من برای کارکردن به‌عنوان یک پژوهشگر میهمان در دانشگاه نیویورک به‌کلی از بین رفته بود. نمی‌توانستم به‌خاطر اینکه مرا به محل استقرار پلیس فرودگاه فرستادن، اشک بریزم. آنجا متوجه شدم گذرنامه‌ام از دو روز قبل باطل شده بود. به این صورت، من هم یکی از ۵۰ هزار شهروند ترکیه‌ای بودم که به‌خاطر پاک‌سازی دولتی پس از کودتای ۱۵ جولای، ممنوع‌الخروج شده بودند. چند ساعت قبل از پرواز، من با یک پیام از سوی همسایه‌ام در استانبول متوجه شدم که پلیس به آپارتمانم حمله کرده است. با توجه به دستگیری همکارانم که در ترکیه گیر افتاده بودند، می‌دانستم برای من نیز همان روز، حکم بازداشت صادر شده بود. همسایه من در استانبول بسیار نگران بود و از من خواست تمام پیامش را پاک کنم. پلیس تعدادی از کتاب‌هایم را مصادره کرده بود. بعدها متوجه شدم روی یکی از آن کتاب‌ها که به زبان انگلیسی بود، به صورت برجسته نوشته شده بود: «کودتا». این روزها در ترکیه ایسن به‌تنهایی کفایت می‌کند تا شما را به جرم فعالیت‌های تروریستی دستگیر کنند. تلاش برای کودتا نفرت‌انگیز بود و با وجود دستگیری‌های فراوان، هنوز تحقیقات درستی درباره آن صورت نگرفته است، اما جای تعجبی نداشت که چند ساعت بعد از آن، رجب طیب اردوغان کودتا را «هدیه‌ای از سوی خدا» توصیف کرد. او به‌دنبال یک بهانه مناسب می‌گشت تا به طور کامل هرکسی را که به او وفادار نیست، ریشه‌کن کند. به نظر من، درحال حاضر ترکیه در یک مسیر بی‌پارگشت به سوی دیکتاتوری در حرکت است. آقای اردوغان، فتح‌الله گولن (روحانی مسلمان‌ی که در تبعیدی خودخواسته در پنیسلوانیا زندگی می‌کند) را به‌عنوان مغز متفکر کودتا معرفی و اهریمن‌سازی از جنبش گولن را وارد مرحله تازه‌ای کرد. سیاستمداران طیف‌های مختلف هم سوار بر این قطار شده و بر این جنبش برجسب سازمان تروریستی گولن زدند؛ درحالی‌که هیچ‌گونه مدرکی دال بر انجام فعالیت‌های تروریستی از سوی این سازمان وجود ندارد. تعدادی از تحلیلگران، روزنامه‌نگاران و حتی کسانی که خود را لیبرال می‌دانند نیز به این حرکت پیوسته‌ای تا این برجسب اثبات‌نشده مورد تأیید قرار گیرد. من ایمان خود را نسبت به توانایی مردم برای زیرسؤال‌بردن اظهارات بلامنازع دولت در رسانه‌هایی مانند سسی‌ان‌ان ترک از دست داده‌ام، اما بزرگ‌ترین ناامیدی من به‌خاطر روشنفکران این کشور است. به‌استثنای چند نفر، باقی آنها به‌طور یکپارچه و طوطی‌وار از نیم‌کارها و اتهاماتی که آقای اردوغان به مخالفان خود می‌زند، حمایت کردند. مشکل آن است که چون تعداد اندکی از این روشنفکران ترک توانایی نوشتن به زبان انگلیسی دارند، افکار عمومی جهان به همان چند نفر توجه می‌کند. ازاین‌رو، بسیاری از ناظران خارجی تصور می‌کنند هنوز به اطلاعات به‌دست‌آمده از سوی سکولارهای ترک و چپ‌های به‌اصطلاح لیبرال می‌توان اعتماد کرد. این تصور شاید به این خاطر باشد که سبک زندگی غربی به آنها ذهنیتی غربی داده است؛ حال آنکه سکولارها هم می‌توانند همانند اسلام‌گرایان سیاسی متعصب باشند. ما از حاکمان مستبد انتظار داریم دشمنان خارجی و داخلی بسازند تا ملت پشت‌سر آنها تظاهرات کنند، اما درباره نخبگان ترسوی ترکیه چه می‌توان گفت؟ همین اول ماه سپتامبر گذشته بود که قناتل برجسته در کاخ مجلل رئیس‌جمهوری، آقای اردوغان را به‌عنوان رئیس هر سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه تشویق و تأیید کردند. ترکیه یک کشور سیاه و سفید است و هیچ سایه خاکستری‌ای در آن وجود ندارد. روشنفکران هم از این دوگانگی در امان نیستند. در چنین وضعیتی یک دموکرات حقیقی صدای خود را هم به‌سختی می‌شود. کاربرد گزینشی حقوق دموکراتیک از سوی روشنفکران ترکیه، تنها به تحکیم قدرت آقای اردوغان منجر می‌شود. در استانداردهای حساب‌ها، بهره‌برداری می‌شود. ترکیه نه‌تنها فاقد نهادهایی قوی است که با اتکا به یک سیستم نظارتی، حاکمیت قانون را تضمین کنند، بلکه فاقد توده مهمی از شهروندان شجاع و صادق نیز هست که منتقد این اوضاع و خواستار تغییر آن باشند. به لطف فساد یک اقامت موقت، من می‌توانستم در بلژیک بمانم. من هنوز در وضعیتی نامعلوم زندگی می‌کنم و به‌عنوان یک روزنامه‌نگار در تبعید به امید یافتن یک پناهگاه در جامعه‌ای هستم که پندیرای حکم قانون باشد؛ اما زمانی که به وطن و تجربه شکست روشنفکران ترکیه می‌نگرم، جز به ناامیدی نمی‌رسم.

در نگاه اول، دابق، شهری کوچک در شمال سوریه، تقریباً هیچ مشخصه‌ای ندارد؛ مجموعه‌ای از کشتزارها و خانه‌های خشتی در ۱۰کیلومتری مرز ترکیه که فارغ از منابع طبیعی نداشته‌اش، نه اهمیت اقتصادی دارد و نه حتی در میدان جنگ گسترده سوریه در مقام یک گذرگاه استراتژیک عمل می‌کند. اما نام این شهر با خرافه و ادعاهای جعلی، حالا اگر نکوییم با تاریخ گره خورده است؛ «قیامت برپا نمی‌شود تا زمانی که رومیان به اعماق یا دابق هجوم می‌آورند. پس در آن روز لشکری از مدینه که از خوابان اهل زمین هستند، به سوی آنها روانه می‌شوند. پس یک‌سوم آنها کشته می‌شوند که برترین شهدا نزد خداوند هستند و یک‌سوم دیگر فاتح می‌شوند که به هیچ فتنه‌ای دچار نمی‌گردند. سپس قسطنطنیه را فتح می‌کنند». این بخشی از جدیثی است که داعشی‌ها مدعی هستند ابوه‌ریره از پیامبراکرم(ص) نقل کرده و سال‌هاست مبنای تبلیغات خرافی و توجیهات ایدئولوژیک آنان مبنی بر وقوع جنگی آخرالزمانی بین مسلمانان و مسیحیان در منطقه دابق سوریه است. در نتیجه جای تعجب نیست تروریست‌های داعش پس از تصرف این شهرک در سال ۲۰۱۴ که از منظر کارشناس نظامی و امنیتی فاقد هرگونه ارزش راهبردی است، دست‌کم هزار و ۲۰۰ نفر از جنگجویان خود را در آن مستقر کردند تا با حفظ این شهرک نماین، شرایط را برای جنگ پایانی با لشکری حامل ۸۰۰ پرچم آماده کنند. اکنون دو سال از آن روزگار می‌گذرد و گزارش‌ها حاکی از آن است داعش پس از تحمل شکست‌های فراوان در اقصی نقاط سوریه، اکنون پایگاه خرافی خود را نیز از دست داده است؛ آن هم نه با هجوم لشکری از ۸۰۰ قوم و ملت چنان که در پیش‌بینی‌های آخرالزمانی‌شان آمده است، بلکه در نتیجه هجوم گروهی از شورشیان سوری که اعلام کرده‌اند با اتکا به حمایت ارتش ترکیه، بدون کوچک‌ترین مقاومتی موفق به بازپس‌گیری دابق از چنگال داعش شده‌اند. دیدبان حقوق بشر سوری روز گذشته اعلام کرده مخالفان سوری که از حمایت جنگنده‌ها و توپخانه‌های ارتش ترکیه بر‌خوردار بودند،

توانسته‌اند تروریست‌های داعش را به‌طور کامل از شهر دابق فراری دهند. رامی عبدالرحمان، دبیر این سازمان، مستقر کردند تا با حفظ این شهرک نماین، شرایط را برای جنگ پایانی با لشکری حامل ۸۰۰ پرچم آماده کنند. اکنون دو سال از آن روزگار می‌گذرد و گزارش‌ها حاکی از آن است داعش پس از تحمل شکست‌های فراوان در اقصی نقاط سوریه، اکنون پایگاه خرافی خود را نیز از دست داده است؛ آن هم نه با هجوم لشکری از ۸۰۰ قوم و ملت چنان که در پیش‌بینی‌های آخرالزمانی‌شان آمده است، بلکه در نتیجه هجوم گروهی از شورشیان سوری که اعلام کرده‌اند با اتکا به حمایت ارتش ترکیه، بدون کوچک‌ترین مقاومتی موفق به بازپس‌گیری دابق از چنگال داعش شده‌اند. دیدبان حقوق بشر سوری روز گذشته اعلام کرده مخالفان سوری که از حمایت جنگنده‌ها و توپخانه‌های ارتش ترکیه بر‌خوردار بودند،



آزادسازی «دابق» به دست گروه سوری مورد حمایت ترکیه

شکست در جنگ آخر

خبرگزاری آناتولی ترکیه، ۹ نفر از شورشیان سوری در جریان عملیات آزادسازی دابق کشته شده و نزدیک به ۳۰ نفر نیز مجروح شده‌اند. اما به گفته منابع ارتش ترکیه، عملیات آزادسازی دابق بسیار گسترده‌تر از یک نزاع دوازده بوده و از ابتدای ماه جاری میلادی با بمباران توپخانه‌ای و هوایی ارتش ترکیه آغاز شده بوده است؛ عملیاتی که در بعضی موارد با همکاری جنگنده‌های انتلاف بین‌المللی به سرکردگی ایالات متحده در بمباران دابق و شهرهای مجاور آن همراه بوده است. این در حالی است که عملیات اخیر ارتش آزاد سوریه زیر سایه حمایت‌های نظامی و تسلیحاتی ارتش ترکیه، موضوع مجادلات فراوانی درباره تحرکات توسعه‌طلبانه مخالفان سوری در کمربند شمالی آن کشور بوده است؛ تحرکاتی که شاید به گفته آنکارا، معطوف به ایجاد

منطقه‌ای امن و عاری از تروریست‌ها در حاشیه مرزهای جنوبی آن کشور است، اما بدون شک با گسترش دامنه تعریف ترویست‌های حاضر در منطقه، تهدید جدی علیه مبارزان کردی است که شاید پس از پاک‌سازی قریب‌الوقوع داعشی‌ها از کمربند شمالی سوریه، هدف بعدی انتلاف ترکیه و بخشی از مخالفان سوری باشند.

باترکیه، هرگز

اما این تنها جولان نظامی ترکیه در شمال سوریه نیست که بر نگرانی‌های جامعه بین‌الملل افزوده، استقرار نیروهای ترک در شمال عراق و چشم‌انداز مشارکت آنان در عملیات آزادسازی موصل نیز بر تنش‌ها بیافزاید. منطقه افزوده است. شاهد این مدعا سخنان اخیر حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق، است که تأکید کرده حضور نیروهای ترکیه در پایگاه بعثتیقه غیرقانونی است و بغداد به‌هیچ‌وجه اجازه مشارکت نیروهای ترکیه در عملیات موصل را نمی‌دهد. به گزارش شبکه خبری سومریه‌نیوز، حیدر العبادی در سخنانی تصریح کرده این فقط نیروهای عراقی هستند که خاک کشور را از چنگ داعش بیرون خواهند آورد و هیچ نیروی خارجی جز نیروهای ترکیه در خاک عراق حضور ندارند. نخست‌وزیر عراق ضمن اشاره به نقض حاکمیتی ارضی کنشورش، اضافه کرده دولتش به هیچ‌وجه به نیروهای ترکیه اجازه شرکت در برنامه‌ریزی یا اجرای عملیات موصل را نخواهد داد؛ چراکه ارتش عراق نیازی به نیروهای خارجی ندارد تا به نیابت از آنان با داعش بجنگد. او همچنین اذعان کرده فقط خواستار آموزش نیروهای عراقی در ترکیه شده و هیچ‌گاه از آنکارا نخواسته روهایش را در عراق مستقر کند. العبادی ضمن به‌چالش‌کشیدن آنکارا برای ارائه سندی که نشان دهد بغداد خواهان اعزام نیروهای ترک به شمال عراق شده، مدعی شد حضور غیرقانونی نیروهای ترکیه مقدمه‌ای برای درگیری جدید در منطقه است؛ درگیری‌هایی که می‌تواند همه تلاش‌های ارتش عراق در یکپارچه‌سازی و اتحاد نیروهای ملی و محلی را بر باد دهد.

سیاست‌های ریاضتی در تونس اعتراضات مردمی را به دنبال داشت

بازگشت به خانه اول

دستفروشی که خودسوزی‌اش به قیام‌های عربی منجر شد، نمی‌سوزاند، اما بسیاری از مردم در مرز خودکشی پیش می‌روند. ثریا فریچی ۳۴ ساله یکی از همان‌هاست و به «بلومبرگ» گفته یک‌بار با زدن رگ‌هایش تلاش کرده به زندگی خود خاتمه دهد. او درباره سال‌های پس از انقلاب می‌گوید:

بازگشت به شورش

البته هیچ‌کدام از این اتفاقات به معنای این نیست که قیام دیگری در شرف وقوع است. باین حال، منصف مرزوفی، رئیس‌جمهوری سابق تونس، می‌گوید نگران است: «اهداف انقلاب دموکراسی واقعی و توسعه عادلانه بود. بخش اول تا حدودی به دست آمد اما بخش دوم نه و نبود دومی ممکن است دوباره به شورش منجر شود، به خانه اول».

مرزوفی که یکی از فعالان و مخالفان قدیمی بود، در اواخر سال ۲۰۱۱، یعنی سال تحول تونس، به‌عنوان رئیس‌جمهوری این کشور انتخاب شد. او در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۴، قدرت را به محمداجمی قاندسبسی واگذار کرد و آخرین دولت هم تحت نخست‌وزیری یوسف

الشاهد در ماه اگوست سال جاری میلادی آغاز به کار کرد.

البته نخست‌وزیر تونس درست پیش از ادای سوگند کاینه‌اش گفت

«کاهش هزینه و مقررات مالیاتی جدید در سال آینده اجتناب‌ناپذیر است»؛ این اقدامات ریاضتی همانی است که صندوق بین‌المللی پول که حدود سه میلیارد دلار به تونس وام داده، بر این کشور تحمیل کرده است، یکی دیگر از وعده‌های شاهد مبارزه سفت‌وسخت با معترضان بود.

صدانقلابی شروع شد و برخی نظام‌های استبدادی نیز کمک کردند تا دوباره همان نظام‌های استبدادی به شکلی دیگر بر سر کار آیند. کودتای نظامیان در مصر یک نمونه از این حرکت بود. امروزه قیمت دلار در این کشور سر به فلک می‌کشد و دولت مصر به مضحکه‌ای در دنیا تبدیل شده است. اهالی این کشور همه عطش آن دارند که به جاهای دیگر پناهنده شوند و یک طبقه فوق‌العاده ثروتمند با وشکیبری تمام، خون سایر طبقات را می‌مکد.

در تونس نیز وضع بهتر از این نیست. دولت در حال فروپاشی است و انقلابیون امروز با همان طاغوتیان دیروز متحد و هم‌پیمان شده‌اند، یعنی با کسانی که اصلا انقلاب مردم تونس را قبول نداشتند و در دامن یک نظام فاسد رشد کرده و پرورش یافته بودند. دراین‌میان پدیده دیگری به وجود آمد که زاییده ناکامی انقلاب‌های عربی بود و خود را به شکل موجی از تروریسم نشان داد. درواقع مثلث استبداد، فساد و تروریسم هرمی را تشکیل می‌دهد که باید آن را یکی از خطرناک‌ترین ائتلاف‌های ضد‌مردم در جامع عربی به حساب آورد. در این مثلث توطئه‌های استبدادی راس آن به شمار می‌روند. در مصر، تونس و لیبی این راس هرم به‌سرعت افتاد، اما ریشه‌های دیگر موفق شدند دوباره برای آن یک سر جدید بتراشند. این مسئله نشان می‌دهد نبرد برای آزادی در این کشورها بیشتر از آنکه عمودی و به سمت راس هرم باشد، بیشتر به صورت افقی و در قاعده هرم حرکت کند. ایجاد عدالت، تحکیم قانون، اجرای حدود، مبارزه با فساد و فرهنگ فسادپروری تنها راه خروج از این وضعیت و عامل اصلی ازبین‌بردن قاعده همان هرمی است که استبداد سیاسی روی آن استوار می‌شود.

منبع: العربی الجدید

جهان

قیام مردم تونس به بهار عربی منجر شد اما حاصل این قیام برای تونس‌ها فقط اصلاحات بود. زمانی که دولت‌های عرب یک‌به‌یک با انقلاب‌های مردمی سرنگون شدند، این کشور شمال آفریقایی فقط به اصلاحات سیاسی اکتفا کرد، انتخاباتی موفق برگزار شد، قانون اساسی از نو نوشته شد و قدرت به شکلی صلح‌آمیز میان اسلام‌گرایان و احزاب سکولار تقسیم شد. اما به‌هیچ وجه حتی به حل بحران اقتصادی که شش سال پیش به خشم مردم منجر شد، نزدیک هم نشده است. اعتراضات سراسری این کشور در کنار اظهارات سیاستمداران و فعالان و اقتصاددانان گواهی بر این مدعاست. بی‌کاری به ۱۶ درصد رسیده و صنایع هم درگیر اعتصابات سراسری و تظاهرات بی‌درپی هستند. در چنین شرایطی دولت با تصویب لایحه مالی جدید و اتخاذ تدابیر ریاضتی در حال افزایش فشار بر مردم است؛ تصمیمی که اعتراض طیف وسیعی از مردم تونس را به‌دنبال داشت و جبهه مردمی، برجسته‌ترین حزب مخالف در تونس، هم روز گذشته تجمععی را در مرکز پایتخت در اعتراض به همین لایحه مالی برپا کرد. براساس گزارش‌ها، صدها نفر از حامیان حزب جبهه مردمی در خیابان الحیب بورقیه، در مرکز پایتخت، در اولین راهپیمایی اعتراضی علیه لایحه مالی تجمع کردند. دولت تونس روز جمعه این لایحه را تصویب کرد و قرار است این لایحه به رای پارلمان نیز گذاشته شود.

«حه الهماهی»، از رهبران و سخنگوی جبهه مردمی، در سخنرانی خود مقابل معترضان، گفت: «این دولت، دولت لابی‌های فساد و کسانی است که از پرداخت مالیات فرار کرده‌اند. دولت می‌خواهد افزایش حقوق



را متوقف کند و قیمت‌ها را افزایش دهد و بخش دولتی را واگذار کند. این دولت همچنین در تلاش است تا مردم بهای بحران را بپردازند». به گفته الهماهی، طرح بودجه شامل تدابیر جدی علیه کسانی که از پرداخت بودجه فرار می‌کنند و همچنین تدابیر علیه قاچاقچیان نمی‌شود. اتحادیه کل مشاغل در تونس نیز با توقف افزایش حقوق و همچنین افزایش قیمت سوخت و دیگر تدابیر ریاضتی مخالف است.

مردم تونس در حالی در اعتراض به این لایحه به خیابان‌ها آمده‌اند

که از هشت ماه پیش تحصنی در مقابل وزارت کار تونس آغاز شده است

و وزیران دولت برای رفتن به محل کار خود مجبور هستند از میان تنگ و

پتوی معترضان بگذرند. هیچ‌کس در تونس دیگر خودش را مثل بوغزیری،

فساد کوچک‌تر، فساد بزرگ‌تر

برای همین نام‌گذاری و طبقه‌بندی فساد به کوچک و بزرگ، بیشتر حالت غلط‌انداز پیدا می‌کند و آن را که فساد کوچک‌تر می‌دانیم آنچنان گسترش و عمق دارد که باید فساد بزرگ‌تر دانست. اتفاقاً این عربی صرفاً یک پدیده اجتماعی یا اقتصادی و سیاسی نیست، بلکه به یک پدیده فرهنگی و رفتاری تبدیل شده و این مسئله است که خطر فساد در کشورها را خاورمیانه عربی را روچندان می‌کند.

ادبیات پولی و اقتصادی، فساد را به دو بخش کوچک و بزرگ تقسیم می‌کند. فساد بزرگ‌تر عبارت از مجموع معاملات و دادوستدها و فعالیت‌هایی است که در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی صورت می‌گیرد و سر به میلیارد‌ها دلار می‌زند. مثل تجارت با ارزهای خارجی، قاچاق‌های سازمان‌یافته کالا، اختلاس ثروت‌های ملی و پول‌شویی در سطحی جهانی. این‌گونه فسادها معمولاً باید از طریق ابزارهایی مانند دولت‌ها صورت گیرد، یعنی وزارتخانه‌ها، سفارتخانه‌های مشخص و بازرگانان بلندپایه هستند که در ارتباط با شرکت‌های چندملیتی، بانک‌های بین‌المللی و شبکه‌های داخلی و منطقه‌ای بانک‌ها دست به اختلاس و فسادهای بزرگ می‌زنند. اما فساد کوچک‌تر بیشتر به افراد مرتبط است یا حداکثر یک مجموعه کوچک. این فساد در حجمی بسیار کوچک‌تر از بخش اول اتفاق می‌افتد و در موارد زیادی ردپای یک فرد مشخص در آن دیده می‌شود. این نوع فساد را می‌توان در انواع رشوه‌بردن‌ها و گرفتن‌ها، واسطه‌گری و دزدینده‌های مربوط به معاملات روزمره و به‌ویژه در ارتباط بین شهروندان و نهادهای دولتی مشاهده کرد. اما به دلیل گسترش زیاد و کثرت دست‌اندرکاران می‌شود گفت این فساد با وجود آنکه کوچک توصیف می‌شود، اما از فساد نوع اول بزرگ‌تر و خطرناک‌تر است.

قوانین و برخورد با ظلم و مبارزه با استبداد است. برای فروپریختن این بنا لازم نیست کار خاصی صورت گیرد. بلکه فقط برعکس‌کردن همان سیستم ارزشی گذشته می‌تواند موجب فروپاشی خودبه‌خودی این سیستم شود. جالب اینکه کشورهای عربی دارای پشتوانه اسلامی و عقیدتی محکمی هستند که مجموعه‌ای از این ارزش‌ها را در دو سطح نظری و عملی پیشنهاد می‌دهند و درباره آن متون و ادبیات وافی وجود دارد. دین اسلام در درجه نخست بر نوسازی ارزش‌های فردی و اجتماعی استوار بوده و درعین‌حال تضمین‌کننده نجات فرد و جامعه در این جهان و جهان دیگر است.

فساد و بهار عربی

چه کسی می‌تواند انکار کند مثلاً در کشورهای عربی نژاد انکار کند که بیانی رمزآلود برای مقابله با نظام‌های استبدادی بود و محمد بوغزیری، آن شهید انقلابی، با به‌آتش‌کشیدن خود آن را جرعه زد. چه کسی می‌تواند شعار اصلی انقلاب تونس را که «ای دردها ما شغل شایسته می‌خواهیم» بود، نادیده بگیرد؟ فساد محور اصلی دولت‌های سركوبگر عرب بود و این درواقع شرطی محسوب می‌شد که استعمار خارجی نیز بر آن تأکید می‌کرد تا ضمن دفاع از منافع آنها، نگذارند دولت‌های عدالت‌محور شکل بگیرد یا در این کشورها مانند کشورهای اروپایی قانون و نظم حاکم باشد.

اما رفته‌رفته فساد از شکل عمودی به صورت افقی توسعه پیدا کرد و از تخریب ثروت‌های دولت به عملی برای بقای افراد تبدیل شد. در این صورت است که فساد به صورت روزمره به عادت همگانی تبدیل می‌شود. جنبش‌های بهار عربی درواقع اعلامی خونین نسبت به رشد کنترل‌ناپذیر این پدیده در اعماق اجتماع بود. از همین‌جا بود که حرکت‌های

رویداد

دیدار کری با وزرای خارجه اروپایی

● وزیر امور خارجه آمریکا برای مذاکره درباره سوریه به میزبانی همتای انگلیسی‌اش به لندن سفر می‌کند. قرار است وزرای خارجه آمریکا، فرانسه، انگلیس و آلمان در نشست چهارجانبه درباره موضوع سوریه گفت‌وگو کنند. شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی گزارش داد: کری با یک برنامه صلح جدید و مجزا وارد لندن نخواهد شد بلکه درعرض طبق گفته‌های خود با ایده‌های تازه‌ای به لندن سفر خواهد کرد. روز شنبه روسیه و آمریکا به مذاکرات صلح در لوزان پیوستند که در آن نمایندگان شورهایه‌ای که از طرفین درگیر در سوریه حمایت می‌کنند، حضور داشتند. مذاکرات در لندن به دنبال نشست فوری مجلس عوام انگلیس برگزار می‌شود که روز سه‌شنبه حول محور وضعیت سوریه صورت گرفت. در جریان این نشست، بوریس جانسون، وزیر امور خارجه انگلیس، گفت «می‌خواهم شاهد اعتراضی علیه بمباران حلب در مقابل سفارت روسیه باشم»؛ بمبارانی که ادعا می‌شود روسیه یکی از متحدان بشار اسد، رئیس‌جمهوری سوریه، مقصر آن است. اما مسکو که تمامی این ادعاها را رد کرده جانسون را به داشتن «جنون روسیه‌هراسی» متهم کرد.

پارلمان کویت منحل شد

● صباح احمد جابر الصباح، امیر کویت در پی استعفاي دولت این کشور به دلیل افزایش نگرانی‌ها درباره مسائل اقتصادی و امنیتی، پارلمان این کشور را منحل کرده است. انتخابات برای تشکیل پارلمان جدید دو ماه آینده برگزار خواهد شد. کاهش قیمت نفت، اقتصاد کشورهای عرب حوزه خلیج فارس را تحت‌تأثیر قرار داده و باعث افزایش فشارهای اقتصادی بر مردم شده است. اعضای دولت کویت امروز یکشنبه استعفاي خود را به صورت رسمی تقدیم «صباح الاحمد جابر الصباح» امیر این کشور کردند.

بازداشت ۵۹ نیروی پلیس ترکیه

● منابع قضائی ترکیه از دستگیری ۵۹ نفر از نیروهای پلیس این کشور به ظن استفاده از سامانه پیام‌رسان ByLock متعلق به روحانی در تبعید و مخالف دولت آنکارا خبر دادند. به گزارش خبرگزاری آناتولی، در میان این افراد دستگیرشده پنج نفر از رؤسای پلیس، سه نفر از افسران ارشد پلیس و ۳۷ نفر دیگر از بازرسان و معاونان هستند. این افراد به ظن استفاده از این سامانه پیام‌رسان که به جنبش فتح‌الله گولن، روحانی در تبعید و مخالف دولت ترکیه، مرتبط است، دستگیر شده‌اند. ByLock از سوی سازمان گولن برای تبادل اطلاعات میان گولن و حامیانش استفاده می‌شده است.

کلینتون فقط ۴ درصد جلوتر از ترامپ

● در شرایطی که تنها سه هفته تا انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا فرصت باقی مانده است، نظرسنجی جدید روزنامه واشنگتن‌پست و شبکه ای‌بی‌سی نیز نشان می‌دهد که هیلاری کلینتون دموکرات چهار درصد از دونالد ترامپ جمهوری‌خواه جلوتر است. این نظرسنجی در یکی از پراشوب‌ترین دوران‌های نامزدی ترامپ و پنس از انتشار ویدئویی جنجالی از او مربوط به سه سال ۲۰۰۵ انجام شد. این ویدئو مربوط به سخنان ترامپ درباره سوءاستفاده جنسی از زنان بود که با واکنش‌های بسیاری حتی در درون جمهوری‌خواهان همراه شد. باوجوداین به نظر می‌رسد که جنجال بر سر انتشار این ویدئو تأثیر اندکی روی حمایت کلی از ترامپ داشته است.

حمله به ناوشکن آمریکایی در نزدیکی یمین

● گزارش‌ها از احتمال حمله موشکی دیگری از یمین به ناوشکن آمریکایی در دریای سرخ حکایت دارد. آمریکا می‌گوید به کشتی‌هایش آسیبی وارد نیامده است و تحقیقات در این زمینه ادامه دارد. درپایند جان ریچاردسون، فرمانده عملیاتی نیروی دریایی آمریکا، به خبرگزاری رویترز گفته است به نظر می‌رسد ناوشکن یواس‌اس میسون از سواحل یمین هدف حملات موشکی قرار گرفته باشد. آمریکا مدعی است که این حملات از مناطق تحت کنترل شورشیان حوثی انجام می‌شود. این در حالی است که حوثی‌ها دخالت در پرتاب موشک به سوی ناوشکن آمریکایی را اتهامی بی‌اساس می‌دانند. در تحولی دیگر، با میزبانی گری عمان، شورشیان حوثی در یمین دو زندانی آمریکایی را آزاد کرده‌اند. جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، روز شنبه تأیید کرد که یک هواپیمای عمانی عازم صنعاء پایتخت یمین، شده است و دو زندانی آمریکایی و تعدادی از زخمی‌های حمله هوایی اخیر عربستان سعودی در صنعاً را به مسقط پایتخت عمان، منتقل کرده است. هویت دو آمریکایی اعلام نشده؛ اما تلویزیون عمان تصاویر پیاده‌شدن آنها از هواپیما را پخش کرده است. وزارت امور خارجه آمریکا اقدام شورشیان حوثی را «بشردوستانه» خوانده و جان کری نیز از تلاش دیپلماتیک عمان ستایش کرده است.